کارگران
سخن می گویند

نشریه هسته کارگری مبارز افغانستان

دور دوم ~~~ شماره دوم ~~~ ثور ۱۳۸۹



ویژه نامه روز جهانی کارگر

افغانستان / می ۲۰۱۰

اطلاعیه

روز جهانی کارگر به تاریخ ۳۰ اپریل (۱۰ ثور) طی محفلی توسط " هسته کارگری مبارز افغانستان " تجلیل گردید. در جمهوری اسلامی افغانستان روز جهانی کارگر به رسمیت شناخته نمی شود و طبعا روز اول می روز تعطیلی عمومی نیست. به همین خاطر این محفل، نه بصورت علنی و در ملاء عام بلکه بصورت نیمه مخفی و در داخل یک چهار دیواری دایر شد. همچنان به همین دلیل، این محفل در روز قبل از اول می که تعطیلی عمومی بود برگذار گردید تا تعداد هر چه بیشتر رفقا و دوستانی که به محفل دعوت شده بودند، بتوانند در آن اشتراک نمایند.

در محفل تجلیل از روز جهانی کارگر، علاوه از رفقای شامل در " هسته کارگری مبارز افغانستان "، تعداد دیگری از رفقا و دوستان کارگر و همچنان یک تعداد از روشنفکران همکار با " هسته ... " نیز شرکت کرده بودند.

محفل با خوشامد گویی انانسر از رفقا و دوستان شرکت کننده در محفل شروع گردید. سپس اسناد، مقالات و اشعاری به خوانش گرفته شد و در آخر قطعنامه محفل قرائت گردید. محفل پس از اجرای یک سرود کارگری توسط گروه هنری " هسته کارگری مبارز افغانستان " پایان یافت.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " جدا امید وار است که برگذاری محفل تجلیل از روز جهانی کارگر بتواند به عنوان یک گام مبارزاتی مثبت، تلاش برای بسیج و سازماندهی انقلابی مستقل کارگران را یک گام دیگر جلو ببرد و زمینه را برای تشکیل هسته های کارگری مبارز دیگر در پهلوی هسته کارگری مبارز موجود مساعد سازد.

شماره دوم نشریه " هسته کارگری مبارز افغانستان " (" کارگران سخن می گویند ") کلا به اسناد، مقالات، مطالب و اشعار به خوانش گرفته شده در محفل تجلیل از روز جهانی کارگر، به شمول شعر سرود اجرا شده توسط گروه هنری در محفل، اختصاص یافته است.



ســــــر آغـــــاز

کارگر ای تپش موج خروشان زمان ای چکش کوب سربی هنر بدگهران
جان من فرش رهت باد ، درودم به تو باد
جان من فرش رهت باد ، درودم به تو باد



حضار نهایت گرامی، رفقا و دوستانی که درین محفل اشتراک نموده اید! اولتر از همه روز جهانی کارگر را به شما و همه کارگران افغانستان و جهان تبریک و تهنیت عرض میکنم. با قدردانی و تشکر از رفقا و دوستانی که ضرورت گردهمائی کنونی را احساس نموده و برای شرکت درین جلسه حاضر شده اند، باید یاد آوری نمایم که جلسه کنونی ما توسط هسته کارگری مبارز افغانستان برگذار گردیده است. طوریکه میدانید، فردا - اول می - روز جهانی کارگر است و امروز ما درینجا گرد هم جمع شده ایم تا ازین روز تاریخی تجلیل به عمل آوریم.
تجلیل اول می امسال را با قرائت اعلامیه هسته کارگری مبارز افغانستان به مناسبت روز جهانی کارگر توسط رفیق ما " رویش " آغاز میکنیم.

××

زنده باد اول می روز جهانی کارگر

امروز اول می روز جهانی کارگر است. هسته کارگری مبارز افغانستان این روز را به تمامی کارگران افغانستان و جهان تبریک می گوید.
کارگران آگاه و نیروهای سیاسی مدافع کارگران در روز اول می در سراسر جهان گرد هم می آیند و با تجلیل از روز جهانی کارگر، پیمان مبارزاتی شان علیه استثمار و ستم برای ایجاد جهان عاری از نابرابری و بی عدالتی را تجدید می نمایند. هسته کارگری مبارز افغانستان نیز یک مسئولیت مبارزاتی حتمی خود می داند که با وجود محدودیت هایی که در تجلیل از روز جهانی کارگر در افغانستان وجود دارد، اول می را تجلیل نماید و از این طریق پیام ها و شعار های مبارزاتی خود را به کارگران و زحمتکشان افغانستان و جهان برساند.
همانطوری که در یکی از اسناد منتشر شده توسط هسته کارگری مبارز افغانستان بنام " مطالبات حد اقل کنونی هسته کارگری مبارز افغانستان " گفته شده است :
" در شرایط امروزی افغانستان، سرمایه داران خارجی، که مستقیما بر نیروهای اشغالگر شان اتکا دارند، بخش اصلی استثمارگران را تشکیل می دهند. سرمایه داران و زمینداران بزرگی که برای این استثمارگران خارجی دلالی می کنند، بخش اصلی استثمارگران داخلی را تشکیل می دهند. اینها دست در دست همدیگر، یکی به عنوان ارباب و دیگری به عنوان دلال مزدور، دست به استثمار کارگران و سائر زحمتکشان می زنند. مبارزه کارگران و سائر زحمتکشان علیه استثمارگران اشغالگر خارجی و دلالان مزدور داخلی آنها، وظیفه عمده کنونی مبارزاتی کارگران و سائر زحمتکشان را تشکیل می دهد. "
ما باید کوتاه شدن دست غارتگران خارجی و دلالان داخلی آنها از منابع ثروت در افغانستان را، که اولین گام در راستای تحقق آن بیرون رفتن قوای اشغالگر خارجی از کشور و از میان رفتن رژیم دست نشانده کنونی است، به خواست مبارزاتی عمده کارگران و سائر زحمتکشان کشور تبدیل نمائیم، تا قادر گردیم وظیفه عمده کنونی مبارزاتی مان را بطور اصولی و موفقانه به سر انجام رسانیم. اگر چنین شود، همه نیروهای

اشغالگر خارجی و دست نشاندگان داخلی آنها قادر نخواهند بود در مقابل توده های ده ها میلیونی مبارز ایستادگی نمایند و هیچ سرنوشت دیگری جز شکست و فروپاشی نخواهند داشت. در غیر آن یا توان و انرژی مبارزاتی این توده های عظیم عاطل و باطل خواهد ماند و یا به بیراهه خدمت به نیروهای ارتجاعی ضد کارگری و ضد مردمی ای مثل طالبان و نیروهای مشابه آنها سوق خواهد یافت

ما نیک می دانیم که این مسیر مبارزاتی یک مسیر طولانی، پر پیچ و خم، مملو از فراز و نشیب و طولانی خواهد بود. درک عمیق مسئولیت تاریخی در قبال کارگران و زحمتکشان کشور و جهان ما را وا می دارد که کل سختی ها و مشکلات مبارزه را بجان بخریم و درین راه استوار به پیش رویم.

کارگران و سائر زحمتکشان افغانستان می توانند - و باید - در چهارچوب کلی این مسیر مبارزاتی، مبارزه برای خواست های روز مره خود را نیز پیش ببرند. خواست فوری ای که هسته کارگری مبارز افغانستان در اول می امسال مطرح می نماید، عبارت است از:

به رسمیت شناخته شدن روز اول می یا روز جهانی کارگر و تعطیلی عمومی درین روز در افغانستان.

زنده باد کارگران افغانستان و جهان!

مرگ بر استمار گران خارجی و داخلی!

" هسته کارگری مبارز افغانستان

اول می ۲۰۱۰ (۱۳۸۹)

××

سربه دروازه دشمن نگزاریم به عجز
شفق سرخ قیامیم به پایمردی خود

شعله آتش خشمیم که دشمن سوزیم
شررآتش فرداست که می افروزیم

امروز، روزی باید باشد که حرف، حرف سخنگویان لاف زن نهادهای اسیر کننده طبقه کارگر نباشد. روزی باید باشد که طبقه کارگر افغانستانی قوانین خود را بر پا دارد و قدرتش را بکار برد تا این قوانین را در حداقل لازمش به اجراء درآورد، قوانینی که تماما خلاف رضایت و موافقت ستمگران و حمکرانانی که سرنوشت کارگران را به دست دارند خواهد بود. امروز روزی است که باید نیروی عظیم زحمتکشان در سراسر دنیا، متحد، یکپارچه و یکصدا در برابر نظام جهانی استمارگرانه و ستمگرانه ایکه بر سرنوشت مردمان همه کشور های جهان حاکم است، صف آرائی کند. نظام استمارگرانه و ستمگرانه حاکم بر افغانستان بخشی از این نظام جهانی است و عمدتا توسط اشغالگران امریکایی، شرکای بین اللملی شان و دست نشاندگان داخلی آنها، که خون میلیارد ها کارگر جهان و افغانستان را می مکند، نمایندگی می شود. در افغانستان کنونی بهره کشان اصلی همین اشغالگران امریکایی، شرکای بین اللملی شان و دست نشاندگان داخلی شان هستند که برگرده مردمان ما سوار شده اند، فرمان میرانند و حاکمیت خود را تحمیل میکنند. امروز روزی است که باید از رشادت ها، دلیری ها و حماسه آفرینی های کارگران سخن گفت. امروز روزی است که باید ازین رشادت ها تجلیل به عمل آورد و صدای کارگران افغانستانی را با صدای کارگران سراسر جهان گره زد و در سراسر جهان انعکاس داد. امروز باید از مشکلات طبقه کارگر و وظایف طبقه کارگر یادآوری کرد و تاریخ برحق مبارزات خستگی ناپذیر طبقه کارگر را انعکاس داد. بدین اساس جا دارد تا درین قسمت از محفل به ریشه های تاریخی اول می نظر اندازیم و ببینیم که روز اول ماه می یا روز جهانی کارگر چگونه پیدا شد؟ اکنون از رفیق عزیز خود آقای " دانش پژوه" تقاضا میکنیم که تاریخچه روز جهانی کارگر را بخوانش بگیرد.

××

تاریخچه واقعی اول ماه می
(روز جهانی کارگر)

سالهاست که در سراسر جهان، روز جهانی کارگر با حضور صفوف رنگارنگ و نامتجانسی از نیروهای طبقاتی گوناگون و حتی متخاصم در جاده ها برگزار می شود. سالهاست که جناح های مختلف هیات حاکمه در سراسر جهان امپریالیستی بهمراه همقماشان خود پرچم دروغین دفاع از منافع کارگران را در این روز بدست می گیرند تا هم چهره کریه بهره کشی خویش را بپوشانند و هم شعارها و ایده های فریبکارانه و اسارتبار خود را بعنوان شعارها و ایده های طبقه کارگر و توده های محروم جا بزنند. آنها حتی در باره تاریخچه این روز مبارزاتی توطئه سکوت یا تحریف را بکار می بندند. سرمایه داری که هیچگاه قادر به پاک کردن این روز مبارزاتی از ذهن کارگران، زحمتکشان و توده های تحت ستم و استمار در سراسر جهان نشده همواره کوشیده آن را بی محتوا کرده و از آن یک جشن بی آزار بسازد. آنها همیشه تلاش می کنند مضمون، اهداف و جهت گیری انقلابی توده کارگران و رهبران آن جنبش کارگری را که اول ماه می را آفرید، بپوشانند. اینان مشخصا در مورد اینکه رهبران آن

جنبش کارگری در تدارک دست زدن به قهر مسلحانه علیه نظام حاکم و دستگاه سرکوبگر دولت بودند، سکوت می کنند. اینها مبارزه عظیم ماه می ۱۸۸۶ را مبارزه ای صرفا صنفی و اقتصادی با ظاهری مسالمت جویانه جا می زنند. در تصویر واژگونه ای که اینان از اول ماه می ارائه کرده اند، صلابت و جسارت و قهرمانی کارگران شورشگری که بخشا مسلح بودند، جای خود را به مظلومیت داده است. با این حساب ضروری می دانیم که در این روز سرخ تصویر واقعی اول ماه می را به کارگران مبارز افغانستانی و همه زحمکتشانی که خواهان رهائی از یوغ ستم و استثمارند ارائه دهیم.

۱۳۹ سال پیش یعنی در سال ۱۸۷۱م کمون پاریس، کشور فرانسه و کل اروپا را به لرزه درآورد. کارگران و زحمتکشان پاریس جرئت این را به خود دادند که جامعه را از طریق بدست گیری قدرت سیاسی در یک جهت تازه، یعنی در مسیر از میان بردن طبقات، هدایت نمایند. طبقات حاکمه اروپا موقتا از تضادهای درونی شان دست کشیده، متفقا به جنبش طبقه کارگر حمله بردند. آنها بیرحمانه سنگرهای کموناردها را با توپ درهم کوبیده، کارگران قهرمان پاریس را اسیر ساخته و بسیاری از آنان را در خیابانها تیرباران کردند تا نظام ستم و استثمار به حیات ننگین خود ادامه دهد.

در سال ۱۸۷۸ دولت پروس یک رشته قوانین شدیدا ضد مردمی به تصویب رساند و حزب انقلابی طبقه کارگر را غیر قانونی اعلام کرد. در انگلستان ارتجاع حاکم حربه ای دیگر را علیه انقلاب کارگری به کار گرفت و بخش قابل توجهی از طبقه کارگر را با رشوه های حاصله از سودهای مستعمراتی تخدیر کرد. در نتیجه بخشی از طبقه کارگر پشتیبان حفظ شرایط موجود شد.

به نظر می رسید که شعله های سرخ برخاسته از کمون پاریس خاموش گشته است. اما ناگهان غریو تازه جنگ طبقاتی، سکوت را بهم زد: اینبار از یک گوشه دور افتاده و غیر قابل انتظار در آخرین نقطه امریکای شمالی، در شیگاگو ، در محله ای که " جهان متمدن " اروپا نامش را تا حال نشنیده بود. انقلاب جهانی می رفت تا نقطه دیگر را در قاره دیگر، برای تثبیت جهش نوین برگزیند. محله " هی مارکت " لبریز بود از کارگران مهاجر آلمانی، هالندی، پولندی و رومانیائی و دیگران. آگاهی طبقاتی را کارگران آلمانی به آنجا برده بودند.

یکسال پس از کمون پاریس، در زمستان ۱۸۷۲ هزاران نفر بخاطر آتش سوزی بزرگ شیکاگو بی خانمان و گرسنه بر جای مانده بودند. هزاران نفر برای گرفتن کمک دست به تظاهرات زدند. در دست بسیاری از آنها درفش هایی دیده می شد که رویش نوشته شده بود: " یا خون یا نان ". در سال ۱۸۷۷ اعتصاب بزرگی از سوی کارگران راه آهن انجام گرفت. بزودی این اعتصاب، کل کارگران راه آهن در سراسر امریکا را فرا گرفت.

اعتصابات بزرگ سال ۱۸۷۷ سرانجام با سرکوب پولیس از هم پاشید. کمی بعد جنگ داخلی در امریکا با پیروزی جمهوریخواهان خاتمه یافت. در مدت کوتاهی پس از آن، جنگ با سرخپوستان نیز به اتمام رسید. طولی نکشید که بردگان تازه آزاد شده در شرایط نیمه فئودالی بکار گرفته شدند. بیکاری وسعت پیدا کرده بود. مکانیزه شدن ابزار کشاورزی تغییرات تاریخی در امریکا ایجاد نمود. کارگران اینک بجای " رویای امریکائی " رویاهای کارگری را از زبان سیاست بیان می کردند. در سال ۱۸۷۷ هر دو طبقه متخاصم می دانستند که جنگ دیگری در کار است. بورژواها از این هراس داشتند که در امریکا هم نظیر پاریس، کمون برپا شود. بنابراین هیئت حاکمه تدارک سرکوب را می دید.

کارگران هم به لحاظ سیاسی و هم از حیث نظامی تدارک می دیدند. اجتماعات مخفی بحث و تشکل در سطح عالیتری برگزار می شد. در آن زمان اتحادیه ها نیمه قانونی بودند و جلسات آنها مخفیانه تشکیل می گشت. پولیس در هر فرصتی رهبران را دستگیر می کرد و مورد ضرب و شتم قرار می داد. آن روزها، اعتصاب کردن به معنای وارد جنگ شدن با قدرت حاکمه بود. در چنان اوضاعی شهر شیکاگو زادگاه یک مصاف سخت شد: مصافی که کارگران انقلابی در هسته رهبری " اتحادیه مرکزی کارگری " هدایتش می کردند. در سال ۱۸۷۵ این اتحادیه قطعنامه ای را به تصویب رساند. در بخشی از این قطعنامه آمده بود: ما فورا از طبقه کارگر می خواهیم که خود را مسلح سازد. تنها با ابزار قهر می توان در مقابل استثمارگران صف آرائی کرد. این قطعنامه بروی کاغذ نماند. طولی نکشید که دهها واحد میلیشیای کارگری تشکیل شد. وقتی سرمایه داری متوجه ماجرا شد، عناصر مبارز را اخلال گر نامید.

در بیانیه " اتحادیه انترناسیونال کارگران " که بیشتر آنارشیستها بودند در آن زمان آمده بود:

" این سیستم ناعادلانه و جنایتکار است و لازمست که بطور کامل و بهر طریق ممکن منهدم گردد. تهییج به منظور سازماندهی، و سازماندهی به منظور قیام. این عبارت، فشرده راهی است که اگر طبقه کارگر میخواهد زنجیرهایش را بگسلد، باید بپیماید. "

با وجودیکه این مواضع در بیانیه آنارشیستهای شیکاگو منعکس شده، اما بدون شک خبر از جو انقلابی عمومی موجود در صفوف جنبش کارگری آن دوران می دهد. این واقعیتی است که معمولا نویسندگان سرمایه داری هنگام بررسی تاریخچه جنبش خونین شیکاگو، پنهان می کنند.

نقطه ضعفی که جنبش کارگری آن زمان داشت این بود که آنها بدنبال یک نظم خودبخودی بودند، نه یک دولت انقلابی نوین. هدف آنها در هم شکستن قدرت دولتی بود، اما نقشه اداره دولت نوین انقلابی را در اختیار نداشتند.

بدین ترتیب صفوف جنبشی که پس از سرکوب سال ۱۸۷۷ مجددا سربلند کرد، حول ایده قهر گسترش یافت. در عین حال یک مطالبه معین به مرکز مطالبات کارگران تبدیل شده بود و آن تقاضای هشت ساعت کار در روز بود. ۷ سال بعد یعنی در سال ۱۸۸۴ یکی از چند شبکه سراسری اتحادیه ها فراخوان روز مبارزه را اعلام نمود. این سازمان، " فدراسیون صنف سازمان یافته و اتحادیه کارگران " نام داشت. این فراخوان با پشتیبانی عظیمی روبرو شد. جنبش عظیمی براه افتاد. بطور مثال تعداد اعضای سازمان " رسته های کار " در عرض یکسال از ۱۰۰ هزار به ۷۰۰ هزار نفر در تابستان ۱۸۸۶ افزایش یافت. دلیل این استقبال عظیم توده یی واضح بود. در آن دوران ۱۸ ساعت کار در روز معمول بود. کارگران تا سرحد مرگ کار می کردند. بیکاری، گرانی و گرسنگی بیداد می کرد.

در سال ۱۸۸۵ اعلامیه زیر در صفوف کارگران امریکا دست بدست می گشت. این اعلامیه از طبقه کارگر امریکا می خواست که در اول ماه مه ۱۸۸۶ دست به عمل بزند:

" یک روز شورش – نه آرامش. روزی که حرف، حرف سخنگویان لاف زن نهادهای اسیر کننده طبقه کارگر نباشد. روزی که طبقه کارگر قوانین خویش را بر پا می دارد و قدرتش را بکار می برد که این قوانین را به اجرا درآورد. قوانینی که تماما خلاف رضایت و موافقت ستمگران و حکمرانان که سرنوشت کارگران را در دست دارند، است. روزی که نیروی عظیم زحمتکشان متحد در برابر قدرتی که امروز بر سرنوشت همه خلقها حکم می راند صف آرائی می کند. روزی که لذت هشت ساعت کار، هشت ساعت استراحت و هشت ساعت برای هر کاری به اختیار

خود ما، احساس می شود. "
سال ۱۸۸۶ سال " دیوانه واری " بود. اعتصابات همه جا را فرا گرفت. همانطور که مورخان اذعان می دارند از دو ماه قبل از اول ماه می، همگان بارها عبور عراده جات پر از مهمات و تفنگ را بچشم می دیدند. خیلی ها تکرار کمون پاریس را پیش بینی می کردند. بحث های فراوانی در میان کارگران که تفکرات گوناگون داشتند درگرفت. اما رهبری سازمان " رسته های کار " مخالف عمومی کردن مطالبه هشت ساعت کار در روز بود. آنها می گفتند تحقق این خواسته امکان ندارد. پس بهتر است خواست را در سطح محلی پیش بگذاریم. در چنین حال و هوائی بود که شیکاگو به اول ماه می سال ۱۸۸۶ نزدیک می شد. در مقابل این خواست توده یی، انارشیستها شعار هشت ساعت کار را زیر سئوال بردند و گفتند که با این شعار نمی توان به مصاف نظام رفت. آنارشیستها بر خلاف رهبران کمون پاریس نقش یک جنبش سراسری را در شکل دادن به یک جنبش آگاه نمی دیدند. اما این مخالفت، کاری از پیش نبرد. خواست هشت ساعت کار در روز به پیکانی در نبرد طبقاتی تبدیل شده بود. طرح این خواست برای کل طبقه کارگر، امری بدیهی بود. در ۱۹ مارچ ۱۸۸۶، نشریه آلمانی زبان " کارگر " در امریکا نوشت:
" اگر ما هر چه زودتر خود را برای انقلاب خونین آماده نکنیم، میراثی جز فقر و بردگی برای فرزندانمان بر جای نخواهیم گذاشت. بنابراین خود را برای انجام انقلاب مجهز کنید. "
قبل از روز موعد مبارزه سراسری، هر هفته راهپیمائی هائی تحت شعارهای " سرنگون باد تخت و بارگاه و خزانه " و " کارگران مسلح شوید " برگزار می شد. راهپیمایان مشعل بدست در شب خیابانها را می پیمودند و چنین می خواندند:
" میلیونها زحمتکش بپا می خیزند، ببینید به خیابان آمده اند. مستبدین بخود می لرزند، چرا که قدرتشان را برباد می بینند. "
درست یک شب قبل از واقعه اول ماه می، روزنامه " کارگر " نوشت:
" با جسارت به پیش. نبرد آغاز گشته است. ارتش بردگان مزدی بیکارند. سرمایه داری چنگالهایش را پشت برج و باروی نظم پنهان کرده است. کارگران! شعار ما باید چنین باشد: سازش موقوف. ماه می فرارسیده است. ۲۰ سال است که سرمایه داران وعده هشت ساعت کار می دهند، ولی همیشه این خواست را زیر پا می گذارند. "
در همان شماره از روزنامه کارگر هوشدار مهمی داده شده بود:
" طبق اطلاع، یکی از رفقا بهنگام دستگیری لست بلند بالائی از اعضای همراهش بوده و تمام آن رفقا نیز دستگیر شده اند. بنابراین: لست عضویتها و دفاتر یادداشتها را از جیبتان بیرون آورید. تفنگهایتان را تمیز کنید. انبار مهمات خود را کامل کنید. قاتلین مزدور سرمایه داران، پولیس و گاردش آماده جنایتند. هیچ کارگری نباید دست خالی از خانه بیرون بیاید. "
در مقابل این هوشدارهای انقلابی، طبقه حاکم نیز تدارک می دید، آماج اصلی حملات طبقه حاکم، رهبری کارگران بودند.
در دیترویت، ۱۱۰۰ کارگر به مدت هشت ساعت راهپیمائی کردند. در نیویورک ۲۵۰۰۰ نفر از برادوی به طرف میدان اتحاد راهپیمائی کردند. در عین حال ۴۰ هزار کارگر نیویارکی در حال اعتصاب بودند. در سینسیناتی یک کارگر شروع راهپیمائی را چنین تصویر کرد:
" تظاهر کنندگان فقط درفش سرخ حمل می کردند و تنها سرودی که می خواندند سرود کارگران بود. یک غند مسلح کارگری با ۴۰۰ تفنگ اسپرینگ فیلد در صف اول تظاهر کنندگان قرار داشتند. "
در لوئی ویل کنتاکی بیش از ۶۰۰۰ کارگر سیاه و سفید از وسط پارک ملی عبور کردند و بدین ترتیب ممنوعیت ورود غیر سفیدان به پارک را عمدا شکستند. در شیگاگو که دژ شورش بود، دست کم ۳۰ هزار نفر به خیابانها ریختند. تمام قطارها از کار ایستاده بودند، بنادر را تعطیل کرده بودند. رهبران محافظه کار به حاشیه وقایع رانده شده بودند. خیابان میشیگان پر بود از کارگران و خانواده هایشان. همه بهترین لباسهای خود را پوشیده بودند. پولیس مسلح روی پشت بامهای مسلط بر صحنه و پشت دیوارها سنگر گرفته و آماده جنگ بود. طبقه حاکمه در شهر شیکاگو تصمیم گرفت صحنه هایی خلق کند تا با توسل به آن بتواند جنبش را نابود نماید. پولیس هر کجا که کارگران اجتماع کرده بودند را مورد حمله قرار می داد. نقطه انفجار اول ماه می در کارگاه مک گورمیک بود.
روزنامه " کارگر " بتاریخ ۴ ماه می نوشت:
" ناگهان صدای گلوله از نزدیک کارخانه بگوش رسید. حدود ۷۵ قاتل قوی هیکل که توسط یک فرمانده چاق پولیس رهبری می شدند بدان سمت حرکت کردند. سه خود رو پر از وحشی های حامی نظم و قانون نیز آنان را همراهی می کردند. در نبرد میان کارگران مسلح به سنگ علیه پولیس مسلح به سلاح گرم، صف کارگران ناگهان بهم خورد. بمبی پشت سر کارگران منفجر شد. دست کم دو کارگر کشته شدند. بسیاری، از جمله چند کودک، مجروح شدند. در ظرف چند ساعت اعلامیه خشمگینانه ای که به امضای اسپایز رسیده بود در محلات فقیرنشین کارگری دست بدست میگشت:
" کارگران مسلح شوید! صاحبکاران نیروی خونخوار خود یعنی پولیس را علیه ما بکار گرفتند. شش نفر از برادران ما عصر امروز در کارگاه مک گورمیک کشته شدند. آنها فقیران بیچاره را کشتند، چرا که جرات کرده بودند دستورات روسا را زیر پا گذارند. همچون هرکول افسانه ای بپا خیزید و غول پنهانی را که میخواهد شما را نابود کند، از میان بردارید. ما از شما میخواهیم که مسلح شوید! مسلح! "
روز بعد یعنی سوم ماه می، گسترش اعتصاب پر معنا بود. در سطح کشور نزدیک به ۳۴۰ هزار کارگر به جنبش پیوسته بودند و ۱۹۰ هزار نفر از آنها در اعتصاب بسر می بردند. در شیکاگو ۸۰ هزار کارگر به خیابانها ریختند. هنگامی که چند صد زن خیاط به جاده ها آمدند تا به تظاهرات بپیوندند، روزنامه ارتجاعی شیکاگو تریبون علیه شان زوزه کشید و آنها را " زنان وحشی هلهله کن " نامید. اینبار فراخوان روزنامه " کارگر" فراخوانی عاجل بود:
" دقت کنید! خونها بر زمین ریخته شده است. گارد دولتی در این کار شرکت داشته است. مالکیت خصوصی با خشونت آبیاری می شود. این یک واقعیت تاریخی است. جنگ طبقاتی فرا رسیده است. در محلات فقیر نشین، زنان و بچه ها برای شوهران و پدرانشان گریه سر داده اند. اما در کاخها، سرمایه داران گیلاسهای مشروبات گرانقیمت را به سلامتی اقدام دار و دسته های خونخوار نظم و قانون بهم می زنند. اشکهایتان را پاک کنید ای بیچارگان مظلوم! بردگان! بپاخیزید و کل قدرت نظام چپاول را سرنگون سازید! "
در تالار سخنرانی کارگران بحث شدیدی در گرفته بود. " جانور سرمایه داری " واقعا چنگ و دندان نشان داده بود. هزاران نفر در صدد پاسخگوئی بودند. بسیاری ظاهرا می خواستند شورش کنند. یک اجتماع توده یی در میدان " هی مارکت " برای عصر چهارم ماه می فراخوانده شد. سازماندهان تظاهرات نگران از کمین دشمن، مکان باز بزرگی را در نظر گرفته بودند. پس از طرح اختلاف نظرات فراوان، اسپایز رهبرکارگران توانست سازماندهان گردهم آئی " هی مارکت " را قانع کند که فراخوان تظاهرات مسلحانه را پس گرفته و بجای آن سعی کنند تا می توانند وسیع ترین مردم را به تظاهرات بکشانند. صبح روز ۴ ماه می پولیس به یک

ستون سه هزار نفره از اعتصاب کنندگان حمله کرد. اجتماعات در تمام شهر برپا شد. هنوز عصر نشده بود که میدان " هی مارکت " از ۳ هزار کارگر انباشته شد.
سخنرانان مرتبا از روی بام ها سخنرانی می کردند. بعد باران شروع شد. حاضرین می خواستند پراکنده شوند. در حالیکه فقط چند صد نفر در میدان باقی مانده بودند، سر و کله دسته ای متشکل از ۱۸۰ پولیس تا به دندان مسلح پیدا شد. یک افسر پولیس به کارگران دستور داد که متفرق شوند. اما پاسخ شنید که اجتماع کارگران، قانونی و مسالمت آمیز است. افسر پولیس برگشت تا به افرادش دستوری دهد. در این هنگام ناگهان بمبی در صف پولیس منفجر شد و سپس آنها منطقه را زیر آتش گرفتند. در نتیجه چندین نفر کشته و صدها تن مجروح شدند. در این ماجرا، هفت پولیس نیز کشته شدند.
طبقه حاکمه از این واقعه به عنوان بهانه ای برای انجام تعرضی که از قبل طراحی کرده بود، استفاده کرد و در رسانه های جمعی دست به تبلیغات زد. روزنامه ها ی سراسر کشور به آتش افروزی دیوانه وار پرداختند. آنها خواستار اعدام همه " اخلال گران " شدند. عناوین روزنامه ها چنین بود: " جانوران خونخوار" ، " گردن کلفتهای سرخ " .
در " میلواکی " گارد دولتی با کشتار خونین به تظاهرات پنجم ماه می پاسخ داد. پنج کارگر پولندی و یک کارگر آلمانی بخاطر نقض حکومت نظامی به خاک افتادند. در شیکاگو زندان ها مملو از هزاران انقلابی و اعتصابی گشت. بسیاری به هنگام بازجوئی مورد شکنجه قرار گرفتند. از روی لست اعضای اتحادیه ها، پولیس به خانه هایشان حمله برد. چاپخانه کارگران مورد حمله قرار گرفت. همه اعضای چاپخانه روزنامه " کارگر " دستگیر شدند. پولیس هر چه در دست داشت، از مهمات گرفته تا اسلحه، از شمشیر تا چماق، از نشریه تا درفش سرخ، از دینامیت تا بمب را بعنوان مدرک به نمایش گذاشت. رهبری انقلابی کارگران در چنگال بورژوازی اسیر بود.
طبقه حاکمه در چهارم ماه می ۱۸۸۶ محاکمات را آغاز کرد. این محاکمه قلابی و عجولانه بود. چندین کارگر را با رشوه خریدند تا شهادتهای زشت و نفرت انگیز علیه رهبران جنبش ایراد کنند. حارنوال نظامی تمام محکمه را در چند جمله خلاصه کرد وچنین گفت:
" قانون بر محاکمات حکم میراند. انارشیسم به محاکمه کشیده شده، این آقایان انتخاب شده و به اینجا آورده شده اند، چرا که رهبر هستند. اینها مثل هزاران نفر که بدنبالشان براه افتادند خطاکارند. آقایان قضات این افراد را محکوم کنید. از محکومیت آنان نمونه بسازید. آنان را دار بزنید و نهادهای ما و اجتماعات ما را نجات دهید. "
در سراسر دادگاه، قضات سعی کردند محاکمه را یک محاکمه جنائی جا بزنند. اسپایز در دفاعیه اش از عقاید انقلابی خویش دفاع کرد و در آخر چنین گفت:
" خوب، اینها عقاید من است. اگر شما فکر می کنید می توانید این عقاید را که هر روز بیشتر ریشه می دواند درهم شکنید، اگر فکر می کنید که با زندانی کردن ما می توانید به عقاید ما ضربه بزنید، اگر فکر می کنید که مرگ جزای گفتن حقیقت است، پس من با سربلندی و جسارت بهای گزاف آنرا می پردازم! جلاد تان را صدا کنید! "
فرد دیگری از متهمان که بیست و یکساله بود اعتراض خود را چنین بیان کرد:
" من تکرار می کنم که دشمن نظم موجودم و تکرار می کنم که با تمام قدرت تا زمانیکه نفس در سینه دارم با این نظم نبرد می کنم. من از شما متنفرم! از نظمتان بیزارم، از قوانین شما، از اقتدار مستبدانه شما، متنفرم. مرا بدین خاطر بدار بیاویزید! "
دادگاه هفت نفر را محکوم به مرگ کرد. اما جنبش بزرگی در دفاع از آنان براه افتاد. جلسات زیادی در سراسر جهان به دفاع از آنان برگزار شد: در فرانسه، هالند، روسیه، ایتالیا، اسپانیا، و در تمام ایالات امریکا. در آلمان، بیسمارک آنقدر از عکس العمل کارگران نسبت به وقایع " هی مارکت " بیمناک شد که برگزاری تمام جلسات عمومی را ممنوع اعلام کرد. وقتی زمان اعدام نزدیک شد، محکومیت دو نفر به حبس ابد تخفیف یافت. جسد لوئی کینگ در زندان پیدا شد. سرش با دینامیت منفجر شده بود. معلوم نشد که در اعتراض به سیستم خود کشی کرده یا او را به قتل رسانده اند. روز ۱۱ نوامبر ۱۸۸۶ که بعدا جمعه سیاه نام گرفت، برای اعدام رهبران جنبش انقلابی کارگران در نظر گرفته شده بود. روزنامه های شیکاگو شایعاتی را در مورد خطر برپائی جنگ داخلی پخش کردند. بنظر می آمد که نقشه هائی برای حمله به زندان جهت آزاد کردن محکومان موجود بود. اما زندانیان خواستار شدند که این کار صورت نگیرد.
سرانجام در روز موعود، هنگام ظهر، اسپایز، انجل، پارسون و فیشر با پیراهن سفید در محوطه زندان ظاهر شدند. اسپایز در حالیکه جلادان چشم بند سفید را بر سرش می کشیدند چنین گفت:
" روزی خواهد آمد که سکوت ما از زوزه های امروز شما قدرتمندتر شود."
بعد از او پارسون فریاد زد:
" قومندان! بگذار صدای خلق شنیده شود "
صدای پارسون را با باز کردن دریچه زیر پایش قطع کردند! مراسم تشییع جنازه رهبران جانباخته جنبش انقلابی کارگران با حضور نیم میلیون نفر برگزار شد. به خیابان آمدن نیم میلیون نفر، بذر وحشت را در دل بورژوازی کاشت.

بدین اساس بود که تاریخ مبارزات کارگران آن کشورها روز جهانی کارگر را بوجود آورد و درست ۱۲۴ سال پیش این روز در سطح جهان برسمیت شناخته شد. از آن پس همه ساله کارگران کشورهای جهان محفل یاد بودی تشکیل میدهند و همدیگر خود را درین روز متحد میابند و همه ساله در گروه های مشخص بخاطر احقاق حقوق کارگران مبارزه میکنند. پس برما لازم است تا این روز را هرچه با شکوه تر جشن گرفته و خواسته های خود را فریاد زنیم.

××××××××××××××××××××××××××××



بس بود خواب گران ، بیدارباش ای کارگر
مست غفلت تا بکی هوشیارباش ای کارگر
متحد هستند برضد تو خونخواران ، توهم
متحد برضد هرخونخوارباش ای کارگر
بهرامحای توصنف اغنیاصف بسته اند
دیرشده آماده پیکارباش ای کارگر

وظیفه تک تک کارگران افغانستان است تا صدای خود را در اعتراض به آنچه که زندگی شان را به تباهی سوق میدهد بلند نموده و ازطریق بسیج فشرده ، مبارزه بی امان و خستگی ناپذیر ، یکپارچه ، یکصدا و متحد به پیش گام بردارند. هسته کارگری مبارز افغانستان به عنوان یک نهاد کارگری برای سازماندهی و پیشبرد اینچنین مبارزه ای تلاش و کار می نماید. برای پیشروی در مبارزه ، تشکیلات و اتحاد آگاهانه شما ضروری است. بیایید تا یکجا و باهم متحدا به سمت اهداف والای مان به پیش گام برداریم.

لاله این چمن آلوده رنگ است هنوز
سپر از دست میناز که جنگ است هنوز
های آسوده نشین لب ساحل برخیز
که تو را کار به گرداب ونهنگ است هنوز

طوریکه میدانید در افغانستان کنونی روزهای مشخصی تعطیل است که می توان بطور نمونه نوروز (روز دهقان) و ۲۸ اسد را نام گرفت. اما رژیم دست نشانده از اول می که روز بین اللملی کارگران جهان است حرفی به زبان نمی آورد و درینمورد سکوت اختیار میکند. خواست فوری ما در اول می امسال ، به رسمیت شناخته شدن روز اول می بمناسبت روز جهانی کارگر و تعطیلی عمومی درین روز در افغانستان است. این شعار باید به شعار همگانی طبقه کارگر افغانستان بدل شود.

درین قسمت از محفل از دوست عزیز خود " شفیع جان " تقاضا میکنیم تا دکلمه ای که آماده نموده برایتان بخوانش بگیرد.

××

دوستان عزیز، من هم به نوبه خود روز جهانی کارگر را به شما و تمام کارگران افغانستان و جهان تبریک و تهنیت عرض میکنم. شعری را آماده نموده ام که امید است مورد توجه تان قرار گیرد.





قوت کاری تمام گنج ماست
ثروت عالم همه از رنج ماست
گرچه ما سازنده دنیاستیم
لیک بی هرچیز درهرجاستیم
ماستیم زحمتکشان سخت کوش
اغنیا بی زحمت اندر عیش و نوش
کار ما سرمایه میسازد مدام
سهم ما فقر است و درد مستدام
میتوان نظم کهن برباد کرد
میتوان نظم نوین بنیاد کرد
ناتوان هستیم ما چون در خودیم
تا برای خود نباشیم بیخودیم
زور ما در فکر ما در عزم ما
در منظم گشتن و در رزم ما
ما اگر جمله یکی لشکر شویم
پرتوان گردیم و در سنگر شویم
برکنیم بنیاد ظلمت در جهان
سرنگون سازیم نظام ظالمان
قدرت کاریگری برپا کنیم
انقلاب آریم و پا برجا کنیم
زندگی سوی رهایی میرود

سوی آن داد نهایی میرود

××

ناتوان هستیم ما چون در خودیم **تا برای خود نباشیم بیخودیم**

بلی، ما تا زمانیکه متحد و یکپارچه نباشیم، یکصدا و هماهنگ حرکت نکنیم، دست به دست هم ندهیم و برای خواسته های برحق خود بپا نخیزیم ، ناتوان و ضعیف خواهیم بود. شاعری در قسمتی از یک شعر خود می گوید:

برو قوی شو ، اگر راحت جان طلبی **که در نظام طبیعت ضعیف پایمال است**

ما باید تمام نیرو و توان خود را بکار بندیم تا بتوانیم به یک نیروی مبارزاتی فعال بدل شویم و خواست های برحق مان را بدست آوریم. برای شناختن اهداف اصلی هسته کارگری مبارز افغانستان جا دارد تا درین قسمت از محفل اهداف تشکیل هسته کارگری مبارز افغانستان توسط رفیق عزیز ما " عطا " به خوانش گرفته شود.

××

کارگران افغانستان باید مستقلانه متشکل شوند

کارگران افغانستان در وضعیت بسیار ناگواری بسر می برند. اکثریت آنها از بیکاری رنج می برند. عده کمی از آنها که کار پیدا می نمایند، یا کار های شان موقتی و فصلی است و یا مزد کار شان آنقدر ناچیز است که حتی تکافوی مصرف متوسط یک فرد مجرد را هم کرده نمی تواند، چه رسد به مصرف یک خانواده. برنامه باز سازی رژیم مزدور و اربابان خارجی اش، باعث بیکاری و در بدری روز افزون کارگران افغانستان شده است. در چنین شرایطی از یکجانب هر گونه اعتراضات کارگری از طریق سرکوب و یا فریب خوابانده می شوند و از جانب دیگر عرصه های کاری در کشور های همسایه نیز بصورت پیهم بالای کارگران بیکار افغانستانی تنگ تر و تنگ تر می گردد.

بنا برین کارگران افغانستانی بیشتر از هر زمان دیگری نیاز دارند که مستقلانه خود را سازماندهی نمایند و بصورت متشکل برای تامین حقوق شان مبارزه نمایند.

اتحادیه های کارگری فرمایشی، تشکل مبارزاتی مستقل کارگران نیستند. آنها نه می توانند و نه می خواهند کارگران را بخاطر مبارزه برای تامین حقوق شان سازماندهی نمایند. کارگران افغانستان نیاز دارند مستقلانه خود را سازماندهی نمایند. تشکیل هسته کارگری مبارز افغانستان اولین گام درین راستا محسوب می گردد.

هدف ما از تشکیل هسته کارگری مبارز افغانستان عبارت اند از:

۱ - یک صدای مستقل برای بیان وضعیت وخیم آنها و اعتراضات بر حق شان به وجود بیاید. این هسته یک مجله کارگری بنام " کارگران سخن می گویند " را منتشر نموده است.

۲ - تشویق کارگران در سائر نقاط کشور برای تشکیل هسته های کارگری مبارز.

۳ - تلاش برای پیوند دادن مبارزاتی این هسته های کارگری و ایجاد یک تشکیلات کارگری مبارز وسیع در سطح کل کشور.



کارگران برای پیشبرد مبارزات حق طلبانه شان و برای مبارزه در راه ایجاد یک جامعه کاملا انسانی باید مستقلانه متشکل شوند. تشکیل هسته کارگری مبارز افغانستان، اولین گام مبارزاتی مستقل کارگران افغانستان در این مسیر طولانی مبارزاتی است. یقین کامل داریم که این گام کوچک و ابتدایی مبارزاتی ما نه تنها مورد حمایت شخصیت ها و نیروهای مبارز افغانستانی، بلکه مورد حمایت شخصیت ها و نیروهای مبارز سائر کشور ها، بخصوص تشکلات کارگری مبارز، قرار خواهد گرفت.

"هسته کارگری مبارز افغانستان"

××××××××××××××××××××××××××××

کارگرا!
رنجبرا!
اختر تابنده توئی
گوهر رخشنده توئی
در صف خدمت به وطن
پیشرو و سازنده توئی
قدرت بازوی تو باشد به جهان رمز حیات
وحدت و نیروی تو چون فاتح و شمشیر نجات

درین قسمت از محفل از دوست کوچک خود " کریم جان " تقاضا میکنیم تا دکلمه ای را که آماده نموده خدمت شما تقدیم بدارد.

××

حاضرین محترم محفل، سلام برشما

من نیز به نوبه خود میخواهم تا در دفاع از کارگران و زحمتکشان کشورم، سهم کوچکی اداء کرده باشم. من، دشمن " نظم " موجود هستم و تا زنده ام با تمام قدرت خود ، علیه آن ، مبارزه خواهم کرد. نظم موجود، مکیدن خون ما و کشیدن انرژی زحمتکشان است. ثروت سرمایه داران نتیجه فقر کارگران است. من تا جان در بدن دارم با چنین نظامی مبارزه خواهم کرد. شعری را تهیه نمودم که خدمت شما تقدیم میدارم امید است، مورد توجه تان قرار گیرد.

من چو رعدم که جهان لرزانم
من چو بادم که کند توفانم
دژ بیدادگران را ویران
دشمن رنجبران را ویران
من جهان را چو گلستان سازم
کیستم؟ قدرت دورانسازم
دست من موم کند آهن را
مشت من خورد کند دشمن را
کس ندارد به جهان همچون من
اینقدر تاب و توان همچون من
این منم من ، که جهان میسازم
من که تاریخ زمان میسازم
من که آباد کنم میهن را
من که برباد کنم دشمن را
کیستم؟ کارگرم ، دهقانم
من که ایجادگر دورانم

××××××××××××××××××××××××××××





گوشه ای از مراسم روزجهانی کارگر در اروپا

تفاوت میان کارگر و سرمایه دار در چیست؟ در یک کلام، کارگران برای احقاق حق مبارزه میکنند ولی سرمایه داران برای چپاول دسترنج آنها توطئه میکنند. بیائیم این روز را بنام " روز طبقه کارگر" روز اعتراض به ظلم و بیدادگری ، روز نشان دادن حقانیت کارگری ، روز پیشرفت مبارزه علیه استثمار سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری در افغانستان و سراسر جهان و روز همبستگی بین المللی زحمتکشان قرار دهیم.

درین قسمت محفل از رفیق عزیز خود " نادر " تقاضا میکنیم تا مقاله ای را که آماده نموده اند به خوانش بگیرند.

××

روز جهانی کارگر
روز تجدید عهد و پیمان مبارزاتی کارگران است

ما بنای بردگی از بیخ ویران میکنیم
ما بنام خلق میهن، ما بنام این وطن
کاخ استثمار را با خاک یکسان میکنیم
ما بنام قهرمانان، عهد و پیمان میکنیم

اول می یا روز جهانی کارگر روز همبستگی کارگران است و کارگران مبارز افغانستان درحالی به استقبال این روز میروند که "ترانه " های بازسازی اشغالگران و رژیم دست نشانده کرزی دیگر به ناله های گوش خراشی مبدل گردیده است که نه تنها گوش شنوندگان را بلکه اعصاب خود ترانه خوانان را می آزارد. ما امروز درحالی به استقبال روز جهانی کارگر میرویم که سرازیر شدن سرمایه های خارجی به کشور باعث چاق شدن هرچه بیشتر دلالان سرمایه دار داخلی و باعث فقیر شدن هرچه بیشتر کارگران افغانستانی شده است. سطح زندگی کارگران افغانستانی در طی چند سال گذشته پیوسته رو به سقوط بوده است. نیروی کار وسیعا آواره و بی اشتغال است. امروز عده ای از کارگران افغانستانی بخاطر تامین زندگی خود و خانواده خود مجبور هستند به کشورهای همسایه ایران و پاکستان آواره شوند. یک کارگر آواره افغانستانی که برای یافتن کار به ایران میرود مجبور است حداقل پنجاه فیصد مجموع مزد خود را برای خرید پاسپورت افغانستانی و خرید ویزای ایرانی که هرچند وقت یکبار باید تجدیدش کند به مصرف رساند و یا اینکه بطور قاچاقی به کشورهای همسایه مهاجرت نماید.

کارگرانی که موفق شوند به بیرون از مرزهای کشور بروند باید ماه ها سرگردان و بی سرنوشت در آن کشورها زندگی کنند و امیدوار باشند که کاری خواهند یافت. ولی اگر بتوانند بعد از ماه ها سرگردانی کاری برای خود پیدا نمایند؛ باز هم نمی توانند درآمد کافی داشته باشند؛ زیرا که سطح دستمزد آنها شدیدا سقوط کرده است.

اول می را در حالی برگزار میکنیم که سه هزار تن از کارگران آواره و بی اشتغال افغانستانی در ایران منتظر حکم اعدام خود هستند. این کارگران که به اتهام خرید و فروش مواد مخدر یعنی همان چیزی که اشغالگران امریکایی و شرکای بین المللی اش در افغانستان رشد داده و سطوح بالای سپاه پاسداران ایران و سردمداران رژیم مزدور کرزی در معاملات آن دست داشته و سود های فراوان از آن بدست می آورند؛ اسیر شده اند و منتظر حکم اعدام خویش اند. اینها کسانی اند که بخاطر منافع سود برندگان اصلی این معاملات قربانی میشوند.

سوال اینجاست که چرا عده ای از بچگی خوب میخورند و خوب میگردند و ما از بچگی محکوم به کار کردن و زحمت کشیدن هستیم، آنهم روز ده الی دوازده ساعت؟ گناه ما اینست که پدران ما هم محکوم به کار کردن بوده اند. ما همه انسانیم، منتهی گناهمان این است که فقیر زاده شده ایم. ما مرتب کار میکنیم و زحمت میکشیم اما چرا گرسنه و تهیدست هستیم؟ برای اینکه همه ارزش تولید شده توسط کار ما را بما نمی دهند. ما کارگریم، کار میکنیم و با مزد ناچیزمان زنده هستیم، نه اینکه زندگی میکنیم. شب و روز را بدبختی میکشیم و در عوض کیسه سرمایه داران پر میشود. اگر معتقد هستید که با خواهش و تمنا میتوانیم خواست های خود را از کارفرما ، سرمایه دار و دولت دست نشانده فعلی و بادارانش بدست آوریم، باید بدانید که سخت در اشتباهید. سرمایه داران و دولتیان و اربابان خارجی شان در کوبیدن کارگران بصورت پنهان و آشکارا با هم متحد هستند. آنها سرباز و پولیس و زندان و جلاد دارند و با استفاده از آن ها کارگران را سرکوب می کنند و قوانین خود شان را بالای کارگران تحمیل می نمایند.

ما امروز باید بخاطر بدست آوردن حق کارگران لب به سخن گشاییم. ما بخاطر تامین خواست های حداقل کارگران موضع خود را اعلام می کنیم. ما نیازمند بسیج همگانی و اتحاد وهمبستگی هرچه بیشتر کارگران افغانستان هستیم. ما بخاطر همبستگی بین اللملی کارگران از هیچ گونه سعی و تلاشی نباید دریغ کنیم. امروز روز تجدید عهد و پیمان مبارزاتی کارگران است. ما کارگران به غیر از زنجیرهایی که بر دست ها و پاهای مان گره خورده است، چیز دیگری نداریم که از دست دهیم. بدین اساس یگانه راه نجات از بدبختی و فلاکت فقط وفقط اتحاد انقلابی ما و شما و مبارزه متشکل علیه ستمگران و استثمارگران است. از طریق اتحاد آگاهانه است که میتوان توده های ستمدیده را به حرکت درآورد و در راه بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده رهبری نمود. هسته کارگری مبارز افغاننستان بخاطر تامین منافع طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمتکش مبارزه می نماید و مصممانه و با اعتقاد راسخ در راه برپائی و پیشبرد مقاومت مردمی و ایجاد دولت مردمی حامی کارگران و دیگر زحمتکشان مبارزه میکند. پس بیایید تا دست به دست هم داده از حقوق خویش به دفاع برخیزیم!

زنده و جاودان باد اتحاد و همبستگی کارگران افغانستان و سراسر جهان !

××××××××××××××××××××××××××××××××××××

با ما بیا ای کارگر!
آتش بزن سرمایه را
برهم بزن ای برزگر!
نظم دژ بی پایه را
بر دست و پا زنجیر زن
شیخ و شه بی مایه را
خواهی نجات از بردگی
بر کن تو این سامانه را

تا جملگی پی افگنیم   دنیای نو آزاده را

درین قسمت از محفل از رفیق عزیز خود " عالم " تقاضا میکنم که قطعه نامه جلسه کنونی را به خوانش بگیرد.

××

قطعنامه محفل تجلیل از روز جهانی کارگر

تقریبا ۹ سال از اشغال کشور و رویکار آوردن رژیم دست نشانده حامد کرزی توسط امپریالیستهای اشغالگر میگذرد، درین مدت روز به روز وضعیت عموم مردم اعم از زن و مرد و بخصوص توده های زحمتکش افغانستان بدتر شده میرود. همه روزه تعدادی به خیل بیکاران می پیوندند. به همین خاطر تعدادی از زحمتکشان افغانستان برای به دست آوردن لقمه نانی عازم کشورهای همسایه میشوند. با وجودی که کارگران افغانستانی در کشورهای همسایه و بخصوص جمهوری اسلامی ایران مورد تحقیر، توهین، آزار و اذیت قرار میگیرند، با آنهم به نسبت نبود کار در افغانستان مجبورا از طریق قاچاق با پرداخت پول هنگفت به آن کشور میروند. حتی بسیاری از کارگرانی که تازه عروسی می نمایند ناچارند که از راه قاچاق به آن کشور مسافرت نمایند. اکثریت آنها از طرف سپاه پاسداران دستگیر می شوند و اگر پولی رشوه ندهند برای شان دوسیه ساخته شده و روانه زندان میگردند و مدت ها در زندان دژخیمان جمهوری اسلامی ایران به سر میبرند. حتی کسانی که میخواهند به کشورشان برگردند مدتها در اردوگاه های جهنمی رژیم سفاک ایران به شکل بسیار فجیع و توهین آمیز نگه داری میشوند. مسئولیت این همه مشقت و بدبختی کارگران و عدم اشتغال شان در افغانستان بر دوش اشغالگران و رژیم دست نشانده شان می باشد.

در ظرف ۹ سالی که از اشغال کشور و عمر رژیم پوشالی میگذرد نه تنها وضعیت کارگران خرابتر گردیده بلکه اکثریت فارغین پوهنتون ها نیز به خیل بیکاران افزوده شده اند. آنها مجبورند که یا خودشان برای خود کاری دست و پا کنند و یا برای کار عازم کشورهای همسایه گردند. امروز در افغانستان بسیاری از محصلینی که از پوهنتون ها فارغ گردیده اند به صف کارگران در داخل افغانستان و یا کارگران آواره در کشور های همسایه پیوسته اند.

خواسته های فوری ما کارگران افغانستانی قرار ذیل است:

۱- به رسمیت شناخته شدن روز اول می یا روز جهانی کارگر و تعطیلی عمومی این روز در افغانستان.

۲- ایجاد اشتغال برای عموم مردم بخصوص کارگران و فارغان پوهنتون ها تا از آواره شدن به کشور های همسایه نجات یافته و بتوانند لقمه نانی در داخل کشور به دست آورند.

۳- ایجاد زمینه های تحصیلات عالی رایگان برای عموم مردم کشور.

رژیم پوشالی همه ساله هشتاد فیصد از فارغین صنوف دوازدهم را از ادامه تحصیلات عالی محروم می سازد که اکثریت شان فرزندان زحمتکشان این مرز و بوم میباشند. اکثریت این فارغین یا به صف کارگران داخل کشور می پیوندند و یا بخاطر یافتن کار به کشور های همسایه آواره می شوند.

۴- دریافت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی.

امروز در افغانستان اگر کاری هم پیدا شود، زنان به شدیدترین وجه استثمار میشوند و دستمزد خیلی کمتر از مردان دریافت میکنند. باید زنان کارگر بتوانند در برابر کار مساوی با مردان، دستمزد مساوی با آنها دریافت نمایند.

۵- لغو کار اطفال زیر ۱۸ سال.

رژیم موظف است زمینه های مساعد تحصیل برای اطفال

را فراهم نماید. اطفال نباید مجبور باشند به کار های طاقت فرسای جسمی بپردازند.

۶- تساوی حقوق زن و مرد در همه عرصه ها.
زنان باید در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از حقوق مساوی با مردان برخوردار باشند.

۷- حمایت از حقوق افغانستانی های مقیم در کشور های خارجی و تعقیب و بررسی دوسیه های کسانی که بنام های گوناگون در زندان های کشورهای همسایه به سر می برند.

۸- لغو ازدواج های اجباری .

۹- آزادی عقیده و بیان.

۱۰- جدایی دین از دولت و غیر سیاسی شدن مساجد و روحانیون. وظیفه روحانیون تبلیغ و ترویج مذهبی است و جای مناسب آن نیز مساجد می باشد. سیاسی شدن مساجد و مداخله روحانیون در سیاست یکی از دلایل مهم بد تر شدن روز افزون اوضاع در کشور می باشد.

۱۱ - مهم تر از همه: قوت های اشغالگر خارجی باید بدون قید و شرط و هر چه زود تر از افغانستان بیرون روند. موجودیت آنها در افغانستان عامل عمده بی امنیتی و بی ثباتی در افغانستان و منطقه است.

برای بدست آوردن این خواسته های فوری و سائر خواسته ها، نیاز به آگاهی سیاسی و تشکیلات سیاسی است. بدون آگاهی سیاسی و متشکل شدن توده های مردم و بخصوص کارگران، نمی توان گرهی از مشکلات آنها را باز نمود.

هسته کارگری مبارز افغانستان از تمامی زحمتکشان افغانستان دعوت به عمل می آورد که برای رسیدن به اهداف والای مان و ایجاد یک جامعه عادلانه انسانی به هسته کارگری مبارز افغانستان بپیوندند. ما با داشتن شعور سیاسی طبقاتی و تشکیلات انقلابی می توانیم نیروهای اشغالگر را از کشور بیرون رانده و مزدوران حلقه بگوش شان را از مقام های ارتجاعی شان به زیر کشیم وشرایط انسانی و جامعه نوینی ایجاد نماییم تا همه انسانهای زحمتکش از قید ستم و استثمار رهایی یابند.

هسته کارگری مبارز افغانستان
اول می ۲۰۱۰

×××××××××××××××××

ما بنای بردگی از بیخ ویران میکنیم
کاخ استثمار را با خاک یکسان میکنیم

ما بنام خلق میهن، ما بنام این وطن
ما بنام قهرمانان، عهد و پیمان میکنیم

درین قسمت از محفل از گروه هنری " هسته کارگری مبارز افغانستان " تقاضا میکنیم تا پارچه سرودی را که آماده نموده اند خدمت شما تقدیم بدارند.

شاد بمان ای هنر رنجبر،
ای شرف دوده نوع بشر،
ای ز تو آباد جهان وجود،
هیچ نبود ارکه وجودت نبود.

×××

دولت شاهان اثر گنج تست،
راحت اعیان ثمر رنج تست.
گر تو دو روزی ندهی تن بکار،
یکسره نابود شود روزگار.

شاد بمان ای هنر رنجبر،
ای شرف دوده نوع بشر،
ای ز تو آباد جهان وجود،
هیچ نبود ارکه وجودت نبود.

×××

باعث آبادی عالم توئی،
رنجبرا معنی آدم توئی.
گر تو دو روزی ندهی تن بکار،
یکسره نابود شود روزگار.
×××
شاد بمان ای هنر رنجبر،
ای شرف دوده نوع بشر،
ای ز تو آباد جهان وجود،
هیچ نبود ارکه وجودت نبود.

××

×××××

بپایان آمد این دفتر   حکایت همچنان باقی است

رفقا و دوستان عزیز !

با ابراز سپاس و امتنان ازینکه به محفل ما صفا بخشیدید.

هسته کارگری مبارز افغانستان آرزومند است که بتواند مبارزات خود را با هماهنگی هرچه بیشتر و وسیعتر و با اتحاد و وحدت مبارزاتی شما عزیزان و سایر زحمتکشان کشور به پیش سوق دهد. امیدواریم که نشست امروزی حرکت تازه و دریچه نوی باشد به سوی فرداهای بهتر ! اگر با کمی و کاستی ای درین محفل مواجه شدید، امیدواریم ما را ببخشید.

به امید موفقیت تمامی شما عزیزان، ختم جلسه امروزی را اعلام میکنم.

وبلاگ هسته کارگری مبارز افغانستان

www.kargaranafghanistan.blogfa.com

آدرس های ملی - دموکراتیک

جنبش انقلابی جوانان افغانستان — **www.afghanistanrmy.org**

دسته هشت مارچ زنان افغانستان — **www.nabardezan.persianblog.ir**

سازمان زنان ٨ مارس (ایران - افغانستان) — **www.8mars.com**